

چرا تیم ملی از انجام بازی‌های بزرگ قبل از جام جهانی استقبال نمی‌کند؟

حکایت سندلی لوزان



صفحه ۶

شنبه ۱۲۷ | ۱۴۰۲ | ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ | ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵ | سال هجدهم | شماره ۴۴۶ | صفحه ۸ | هزاره نهم

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



پیشمرگ فرشته‌ها

گفت‌وگوی «وطن امروز» با فرزانه مردی محقق کتاب «هم سفر آتش و برف» که بزودی از تقریظ رهبر انقلاب بر آن رونمایی می‌شود

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4466 | TUE.NOV.18, 2025 | ISSN:2008-2886

۱۹۹۱ سال و ۷۸ روز گذشت |



پرونده «وطن امروز» درباره عملکرد ترامپ در سال اول دوره دوم ریاست‌جمهوری

یک سال ناکامی

صفحه ۵

از آزمایش بمب حرارتی آمریکا تا فشار بر برنامه صلح آمیز ایران

استانداردهای دوگانه هسته‌ای



یادداشت روز محمدکاظم انبارلویی

آزمایش اخیر ایالات متحده روی یک بمب حرارتی - هر چند بدون کلاهک هسته‌ای - یک بار دیگر سیاست رسمی «توسعه پنهان و منع آشکار» را در رفتار واشنگتن برجسته می‌کند. آمریکا با وجود برخورداری از بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای جهان، همچنان مسئول آزمایش، ارتقا و توسعه تسلیحات جدید است اما در مقابل، در بالاترین سطح فشارهای سیاسی، رسانه‌ای و تحریمی به ترامپ و تحریم اما با همان پیام ضمنی که اگر اختیار کامل داشتیم، اوضاع بهشت می‌شد و حالا که نشده، مقصر دیگرانند.

امروز هم، قبل از آنکه دولت چهاردهم وارد نیمه دوم دوره خود شود، همان روایت، با بازیگران و واژگان جدید، در حال بازتولید است. شایعه استغای رئیس‌جمهور، استغای چند عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت به بهانه یک انتصاب و حرف و حدیث‌هایی که از زبان برخی چهره‌های اصلاح‌طلب درباره جدایی «جریان اصلاحات» از دولت شنیده می‌شود، همه در یک چیز مشترک است؛ آماده کردن افکار عمومی برای روزی که اگر کارنامه دولت مطلوب نبود، بتوانند بگویند ما نبودیم.

اما یک سؤال ساده در برابر این الگو قرار دارد: اگر واقعا معتقدند ساختار به آنها اجازه کار نمی‌دهد، چرا در هر انتخابات، از شوراها تا مجلس و ریاست‌جمهوری، با تمام توان وارد میدان می‌شوند، فهرست‌های بلندبالا ارائه می‌کنند و برای پیروزی می‌جنگند؟ اگر تصور می‌کنند بازی از اساس ناعادلانه است، رفتار صادقانه این است که در آن شرکت نکنند، نه اینکه هر بار تا نیمه راه بروند، قدرت را بگیرند و وقتی نوبت پاسخگویی رسید، ناگهان پادشاه بیفتد «گذاشتند»!

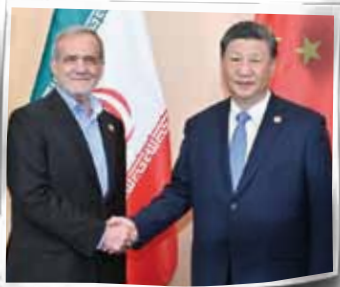
این تناقض رفتاری، امروز برای افکار عمومی عیان‌تر از گذشته است. جامعه می‌بیند یک جریان سیاسی، زمانی که بر موج امید و شعار سوار می‌شود، همه جا را پر از نام و چهره خود می‌کند اما زمانی که سختی‌های اداره کشور، فشارهای اقتصادی و هزینه‌های تصمیم‌ها سر می‌رسد، به سرعت شروع می‌کند به فاصله گرفتن از همان دولتی که تا دیروز «دولت ما» بود.

■ **ماهیت سیاست اصلاح‌طلبان «شتر گاو پلنگ» است**

واقعیت این است که پزشکان، چه در چپش کلبینه و چه در انتصاب مهم اقتصادی و سیاسی، عملاً دولت را به اصلاح‌طلبان سپرد. در بسیاری از وزارتخانه‌های کلیدی و شرکت‌های بزرگ نفتی، گازی، پتروشیمی و صنعتی، نیروهای نزدیک به اصلاحات در رده مدیرعامل و هیأت مدیره مستقر شده‌اند. در حوزه‌های فرهنگی و رسانه‌ای نیز فضای عمل و اختیار در اختیار همین جریان قرار گرفته است. با این سطح از حضور و نفوذ، دیگر نمی‌توان ادعا کرد اصلاح‌طلبان فقط یک «حامی منتقد» هستند، آنها شریک اصلی این دولتنند؛ شریک در قدرت، شریک در تصمیم‌ها، شریک در بهره‌مندی از مناصب و مواهب. پس طبیعی است باید شریک در پذیرش مسؤلیت هم باشند.

ادامه در صفحه ۶

تیتیر های امر وز



گسترش روابط ایران و چین نگرانی جدید رژیم صهیونیستی

سد بزرگ شرق

شکست مکرر فراخوان‌های سلطنت‌طلبان

صفحه ۲

شدت بارندگی‌های اخیر در برخی مناطق غرب کشور باعث سیل و آبگرفتگی شد

پاییز دیر اما آمد

صفحه ۲

آمریکا در صدد ترور رست اعلام کردن مادورو است

نقشه ترور

در کاخ سفید

صفحه ۷

بررسی فرصت‌های پیمان شانگهای به بهانه حضور معاون اول رئیس‌جمهور در اجلاس نخست‌وزیران این سازمان

ایران پل اوراسیا

صفحه ۲

ضرورت جهش

در شراکت راهبردی

نگاه

علی حسینی

تهاجم نظامی روسیه به اوکراین تنها یک نقطه عطف در تاریخ امنیتی اروپا نبود، بلکه به مثابه یک کاتالیزور قدرتمند عمل کرد که محاسبات استراتژیک کرملین را دگرگون کرد و به بازتعریف بنیادین روابط خارجی این کشور منجر شد. در میانه این توفان ژئوپلیتیکی، شاید هیچ رابط‌ای به اندازه مناسبات تهران - مسکو دستخوش تحولی چنین عمیق و شگرف نشده باشد. آنچه پیش از این جنگ، یک مشارکت موردی و عمل‌گرایانه آمیخته با بی‌اعتمادی‌های تاریخی بود، اکنون در حال تبدیل شدن به یک اتحاد راهبردی چندوجهی است که ابعاد آن حوزه‌های نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیک را در بر می‌گیرد. این تغییر یک انتخاب از روی فرصت‌طلبی صرف نیست، بلکه ضرورتی است که از دل انزوا بی‌سابقه روسیه و نیازهای متقابل ۲ کشور در برابر فشارهای غرب سر برآورده است.

■ شراکتی تازه برآمده از بطن بحران

پیش از وقایع اوکراین، روابط ایران و روسیه را نمی‌توانستیم یک اتحاد استراتژیک بنامیم. با وجود همکاری‌های مقطعی بویژه در بحران سوریه که با هدف مقابله با دشمن مشترک و جلوگیری از یکجانبه‌گرایی آمریکا شکل گرفت، این روابط همواره تحت تأثیر فقدان اعتماد ریشه‌دار در حافظه تاریخی ۲ ملت قرار داشت. این مشارکت‌ها هر چند پایه‌هایی برای همکاری‌های فنی و نظامی ایجاد کرد اما ماهیتی عمل‌گرایانه و محدود داشت. با این حال، جنگ اوکراین و مواجهه روسیه با تحریم‌های فلج‌کننده و انزوا سیاسی از سوی غرب، مسکو را ناچار کرد در سیاست خارجی خود بازنگری کرده و به دنبال شرکای قابل اعتمادی بگردد که توانایی ایستادگی در برابر هژمونی غرب را داشته باشند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران که خود دهه‌ها تجربه مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی را در کارنامه دارد، به یک گزینه ایده‌آل و دارای اهمیت استراتژیک برای کرملین تبدیل شد. نیازهای مبرم روسیه در میدان نبرد، بویژه برای پر کردن شکاف‌های فناوریانه و تولیدی در ماشین جنگی‌اش، بستری را فراهم آورد تا نخستین و ملموس‌ترین تحول در روابط ۲ کشور در حوزه همکاری‌های نظامی - فنی رخ دهد.

■ **از بهیادهای شاهد تا سودای تولید مشترک**

گزارش‌های متعدد منابع غربی از جمله مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) و اندیشکده CNA، تأیید می‌کند ایران به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی فناوری نظامی برای روسیه در جنگ اوکراین تبدیل شده است.

ادامه در صفحه ۸

علی کا کا د فو لی: از روزهایی که جبهه اصلاحات با معرفی

مسعود پزشکیان به عنوان نامزد نهایی خود، پیروزی در انتخابات ۱۴۰۳ را جشن گرفت و کابینه‌ای همسو با خود را در دولت چهاردهم مستقر کرد، بیش از یک سال گذشته اما اکنون نشانه‌هایی از یک عقب‌نشینی سیاسی معنادار به چشم می‌خورد. این دولت که با نقش‌آفرینی مستقیم برخی چهره‌های دولت روحانی و با چپش وزرا و مدیران اقتصادی از دل جریان اصلاحات شکل گرفت، امروز با پدیده‌ای مواجه است که دیگر نمی‌توان آن را «تقد درون جریانی» توصیف کرد؛ در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، نشانه‌های روشنی از تلاش اصلاح‌طلبان برای فاصله‌گذاری با دولت دیده می‌شود؛ از سخنان اخیر محمد خاتمی درباره لزوم مرزبندی جریان اصلاحات با دولت تا شایعه‌سازی درباره احتمال استغای پزشکیان و کناره‌گیری چند عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت به بهانه یک حکم انتصابی. این صحنه، برای افکار عمومی ایران، صحنه تازه‌ای نیست و بیشتر شبیه تکرار یک سناریوی قدیمی است؛ گرفتن قدرت و قرار از مسؤولیت.

■ مهر اصلاحات پای دولت چهاردهم

اولین نکته‌ای که نباید اجازه داد زیر غبار فضا سازی‌های جدید گم شود، همین است که پزشکیان نامزد رسمی جبهه اصلاحات بود. جبهه اصلاحات برای انتخابات ریاست جمهوری، ۳ گزینه معرفی کرد که یکی از آنها پزشکیان بود؛ بعد هم همین فرد را به عنوان گزینه نهایی خود برگزید و پشت سرش صف کشید. در جریان انتخابات، تقریباً تمام احزاب و چهره‌های اصلی این جریان، از چهره‌های شناخته‌شده مجلس ششم گرفته تا وزرای دولت‌های هفتم، هشتم، یازدهم و دوازدهم، وارد میدان شدند و ستادهای انتخاباتی او را اداره کردند. نقش پررنگ چهره‌هایی مثل ظریف و آذری جهرمی در کارزار انتخاباتی پزشکیان، خود به تنهایی نشان می‌دهد چه جریانی موتور محرک این کمپین بوده است.

پس از پیروزی پزشکیان در مرحله دوم انتخابات و تبدیل شدن او به رئیس‌جمهور برگزیده، هیچ‌کس در اردوگاه اصلاحات نخواست این دولت مال ما نیست یا ما فقط به اجبار از او حمایت کردیم، برعکس، رسانه‌های اصلاح‌طلب پیروزی او را پیروزی گفتمان خود خواندند و سران این جریان، از خاتمی تا دیگران، از تغییرهایی استفاده کردند که روشن می‌کرد این دولت را «فرصت اصلاحات» می‌دانند، نه یک دولت بیگانه با خود.

وقتی یک جریان سیاسی، هم در مرحله معرفی نامزد و هم در مرحله تبلیغات و رأی آوردن، اینچنین تمام‌قد پشت یک فرد می‌ایستد، دیگر نمی‌تواند بعد از مدتی، طوری رفتار کند که انگار این دولت ناگهان از آسمان افتاده و نیشبش با آنها نامعلوم است.

فرآیند انتخاب اعضای کابینه چهارم نیز همین واقعیت را تأیید می‌کند. بر اساس گزارش‌ها، بخش مهمی از رابزنی‌های مربوط به معرفی وزرا و چیدمان اصلی کابینه، در درون حلقه‌ای از چهره‌های منتسب به جریان اصلاحات انجام شد. بسیاری از وزیران کلیدی در حوزه‌های اقتصاد، بهداشت، کار، فرهنگ و سیاست خارجی، از طیفی هستند که سال‌ها در دولت و مجلس و شوراها به عنوان چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب شناخته شده‌اند.

در این میان، حتی کسانی که پرونده‌های بحث‌برانگیز سیاسی و مدیریتی داشتند، باز هم از سوی همین جریان برای مسؤولیت‌های مهم پیشنهاد شدند. مجلس دوازدهم، با ترکیب اصولگرا، در نهایت به هر ۱۹ وزیر پیشنهادی رأی اعتماد داد و عملاً میدان را برای آنچه دولت و حامیان اصلاح‌طلبش می‌خواستند، باز گذاشت. نمایندگان فقط در یک مورد، آن هم درباره حضور ظریف در جایگاهی که با نص صریح قانون مغایرت داشت، واکنش نشان دادند و این بیشتر دفاع از قانون بود تا لجاجت سیاسی.

به سوازات کابینه، در سازمان‌ها، بانک‌ها و هلدینگ‌های بزرگ نفتی، گازی، پتروشیمی و صنعتی، موج انتصابات به روشنی نشان می‌دهد حلقه نزدیک به اصلاح‌طلبان سهم اصلی را به دست آورده است. حتی برخی امضاکنندگان نامه جنجالی نمایندگان مجلس ششم به رهبری، امروز روی صندلی‌های مهم‌ترین شرکت‌های اقتصادی کشور نشسته‌اند؛ صندلی‌هایی که در دولت روحانی هم به این راحتی نصیب‌شان نشده بود. این یعنی دولت چهاردهم فقط در سطح شعار، اصلاح‌طلب نیست؛ رگ و پی انسانی و مدیریتی آن هم، عمدتاً اصلاح‌طلب است.

وقتی یک جریان سیاسی، کلبینه را می‌بندد، مدیران میانی را تعیین می‌کند، هلدینگ‌ها و شرکت‌های پول‌ساز را قبضه می‌کند و شبکه مدیریتی دلخواه خود را در بدنه حاکمیتی می‌نشانند، دیگر نمی‌تواند ادعا کند صرفاً یک «ناظر» بی‌رونی است که با دولت فاصله دارد.

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz